

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و برزنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

تی یری میسان

برگردان از: حمید محوی

۰۸ دسمبر ۲۰۱۲

«تروریست های سوریه توسط ارتش آزادیبخش کوزوو آموزش دیده بودند»

تی یری میسان به پرسش های مجله صرب ژنوپولیتیکا پاسخ می گوید. او نظریاتش را درباره ۱۱ سپتمبر، رویدادهای سوریه، دلایل رویارویی ایالات متحده، اروپا، روسیه، چین و ایران در سوریه و خاورمیانه مرور می کند و به افشای بزهکاری هیأت حاکمه فرانسه علیه ملت فرانسه به عنوان عروسک خیمه شب بازی ایالات متحده و اسرائیل اشاره می کند. تی یری میسان برای هم وطنانش آرزو می کند که مثل گذشته های شکوفانشان، به شکل انقلابی عمل کرده و این هیأت حاکمه بزهکار را از دستگاه هیأت حاکمه اخراج کنند.



ژنوپولیتیکا: آقای میسان، شما با انتشار کتاب «کلاهداری دهشتناک» گزارشات رسمی مقامات ایالات متحده در مورد حمله تروریستی ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱ را زیر علامت سؤال بردید و به شهرت جهانی دست یافتید. کتاب شما روشنفکران دیگری را نیز تشویق کرد تا در مورد این حادثه تراژیک تأملاتی داشته باشند و در آن تردید کنند. آیا می توانید برای خوانندگان ما مختصراً توضیح دهید که در روز ۱۱ سپتمبر واقعاً چه اتفاقی افتاد، چه چیزی به ساختمان پنتاگون برخورد کرد و یا منفجر شد. آیا هواپیما بوده که به پنتاگون برخورد کرده یا چیز دیگری بوده؟ در مورد هواپیماهایی که به دو برج برخورد کردند، به ویژه سومین ساختمان که در حاشیه این دو برج بود چه توضیحی دارید؟

زمینه عمیق این حمله و انعکاس جهانی آن که این همه موجب تغییر جهان شد کدام است؟

تی یری میسان : جای شگفتی است که نشریات جهانی نسخه رسمی را پی گیری کردند نه تنها به این علت که پوچ بوده، بلکه به این علت که قادر به توضیح بخشی از رویدادها نیست. نظریه ای که می گوید یک فرد فناتیک، مستقر در یک غار در افغانستان، و بیست نفر مسلح به کارد موکت بری، قادر بوده اند که پیش از آنکه قدرتمندترین ارتش جهان توانسته باشد واکنشی از خود نشان دهد، مرکز تجارت جهانی و پنتاگون را مورد حمله قرار دهند، چنین داستانی حتی براننده یک نمایش کمیک هم نیست. ولی هر چه بیشتر داستان به مسخرگی نزدیک می شود، روزنامه نگاران غربی پرسش های کمتری مطرح می کنند.

از سوی دیگر، تعبیر رسمی داد و ستد بورسی روی شرکتی که قربانی عملیات تروریستی بودند، آتش سوزی ساختمان ضمیمه کاخ سفید، و به همچنین از فرو ریختن سومین برج مرکز تجارت جهانی در بعد از ظهر ۱۱ سپتامبر چیزی نمی گوید. چنین رویدادهایی حتی در گزارش نهائی کمیسیون تحقیقاتی ریاست جمهوری نیز مطرح نشده است.

مهمترین رویداد در روز حمله به مرکز تجارت جهانی که هرگز درباره آن چیزی ننوشتند، طرح تداوم دولت بود که به شکل غیر قانونی فعال شد. در مورد جنگ اتمی، قانونی وجود دارد که در صورتی که مشاهده شود که مقامات مدنی از بین رفته اند، دولت نظامی آلترناتیو اداره امور را به دست می گیرد. در اطراف ساعت ۱۰ و سی دقیقه، با وجود این که مقامات مدنی همچنان قادر به اداره امور و اجرای مسئولیتهاشان بودند، قدرت به دست نظامیان افتاد و در اطراف ساعت ۱۶ و ۳۰ دقیقه قدرت به مقامات مدنی باز گردانده شد. طی این مدت، کوماندوها تقریباً تمام اعضای کنگره و اعضای دولت را به جای امن و در پناهگاه های ضد اتمی منتقل کرده بودند. در نتیجه کودتائی به مدت چند ساعت به وقوع پیوست، تنها برای مدت زمانی که کودتاگران خط سیاسی خودشان را تحمیل کنند: وضعیت فوری دائمی در درون، و امپریالیسم جهانی در بیرون.

۱۳ سپتمبر، لایحه میهن دوستی (پاتریوت آکت) به سنا تحویل داده شد. موضوع به قانون ارتباطی نداشت، بلکه ائین نامه ضمیمه درباره اصول ضد تروریستی بود که نگارش آن طی دو سه سال گذشته به شکل سری انجام گرفته بود. ۱۵ سپتمبر، رئیس جمهور وقت بوش طرح «ماتریس جهانی» را تأیید کرد و ساخت و ساز ربودن افراد، زندانهای مخفی، شکنجه و قتل افراد را نهادینه ساخت. در همان نشست، او طرح حمله پی در پی به افغانستان، عراق، لبنان، لیبیا، سوریه، سومالی، سودان و ایران را تأیید کرد. می توانید ببینید که نیمی از برنامه از پیش به انجام رسیده بوده است.

این حملات تروریستی، این کودتا، و جنایاتی که در پی آن صورت گرفت توسط آنهائی سازماندهی شده بود که دولت سری می نامند (به مفهومی که این اصطلاح در مورد قدرت نظامی در ترکیه یا در الجزایر به کار برده شده). این رویدادها توسط گروه بسته ای تدارک دیده شده بود که در ایالات متحده از مریدان فلسفه لئو اشتراوس هستند. همین افراد بودند که در سال ۱۹۹۵ کنگره ایالات متحده را به تقویت نیروی نظامی وادار کردند، و تجزیه یوگوسلاوی را فراهم آوردند.

به عنوان مثال، باید ریچارد پرل را یادآور شویم که نقش مشاور سیاسی عزت بیگویچ (سیاستمدار و فیلسوف بوسنیائی) را به عهده داشت، و مشاور نظامی اسامه بن لادن و در عین حال مشاور رسانه ای نزد برنارد هانری لوی بود.

ژنوپولیتیکا: کتاب شما و رفتار ضد امریکائیان را که آزادانه در شبکه مستقل ولتر مطرح کرده بودید، برای شما به منشأ مشکلاتی با دستگاه اداری رئیس جمهور پیشین فرانسه، نیکلا سرکوزی تبدیل شد. آیا در این مورد می توانید کمی بیشتر توضیح بدهید؟

در واقع، در مقاله ای که درباره نیکلا سرکوزی نوشته اید، تحت عنوان «عملیات سرکوزی: چگونه سازمان سیا یکی از مأمورانش را به مقام ریاست جمهوری در فرانسه گماشت»، گزارشات حساسی را منتشر کرده اید که یادآور پیچ و خم های رمان های پولیسی-جنائی است.

تی بری میسان: من ضد امریکائی نیستم. من ضد امپریالیست هستم و فکر می کنم که مردم ایالات متحده نیز قربانی سیاست رهبران هستانند.

در مورد نیکلا سرکوزی، نوشته بودم که او در دوران نوجوانی اش در نیویورک تحت نظارت فرانک جرج ویسنر (دیپلمات امریکائی) آموزش دید. این فرد یکی از مهمترین شخصیت های سازمان سیا، یعنی سازمانی که توسط پدر خود او فرانک ویسنر بنیادگذاری شد. در نتیجه کار حرفه ئی نیکلا سرکوزی کاملاً توسط سازمان سیا شکل گرفته بود. هیچ جای شگفتی نیست که وقتی به ریاست جمهوری فرانسه رسید، از منافع واشینگتن دفاع کرد و نه از منافع مردم فرانسه.

صربها فرانک جرج ویسنر را به خوبی می شناسند: زیرا هم او بود که استقلال یک جانبه کوزوو را در مقام نماینده ویژه ریاست جمهوری ایالات متحده سازماندهی کرد. من تمام این جریان را در مصاحبه ای با «اوراسیا مدیا فروم» (قزاقستان) توضیح داده ام و از من خواستند که این موضوع را در مقاله ای برای «اودناکو» (روسیه) گسترش بیشتری بدهم. برحسب اتفاق انتشار این برنامه مصادف شد با جنگ گرجستان، یعنی وقتی که سرکوزی به مسکو می آمد. ولادیمیر پوتین نخست وزیر پیش از آن که گفت وگویش را با او آغاز کند، مجله را روی میز می گذارد. روشن است که چنین موضوعی نمی توانست موجب بهبودی مناسبات من با سرکوزی باشد.

ژنوپولیتیکا: آقای میسان، در حال حاضر وضعیت سوریه را چگونه می بینید. وضعیت سوریه در مرزهایش و وضعیت مردم سوریه؟ آیا عربستان سعودی و قطر، و همین گونه کشورهای غربی که خواهان براندازی قهر آمیز رژیم بشار الاسد هستند، به اهداف خوششان نزدیک شده اند؟

تی بری میسان: از ۲۳ میلیون جمعیت سوریه تقریباً بین دو تا دو و نیم میلیون نفر از گروه های مسلح که در پی بی ثبات سازی کشور و تضعیف ارتش آن هستند دفاع می کنند. این گروه های مسلح چند محله و مناطق روستائی گسترده ای را تحت تسلط خود گرفته اند. ولی به هیچ عنوان این گروه های مسلح در وضعیتی نیستند که بتوانند رژیم را سرنگون کنند.

طرح اولیه غرب پیشبینی کرده بود که عملیات تروریستی موجب خواهد شد که روند تحریک – سرکوب، بر اساس الگوی تروریسم ارتش آزادیبخش کوزوو و سرکوب آن توسط اسلوبودان میلوسویچ، مداخله بین المللی توجیه پذیر خواهد شد. در این جا مختصراً یادآوری می کنم که آموزش گروه های مسلح در سوریه توسط اعضای ارتش آزادیبخش کوزوو و در خاک کوزوو انجام گرفته و این موضوع کاملاً تأیید شده است.

این طرح با شکست مواجه شد زیرا روسیه در دوران ولادیمیر پوتین، روسیه دوران بوریس التسین نیست. مسکو و پکن ناتو را از مداخله در سوریه منع کرده اند، و بر این اساس وضعیت راکد مانده است.

ژنوپولیتیکا : ایالات متحده، فرانسه، انگلستان، عربستان سعودی و قطر با سرنگون ساختن بشار الاسد چه چیزی را می خواهند بدست بیاورند؟

تی یری میسان : هر یک از دولت های عضو پیمان مشترک منافع خاص خود را در این جنگ پی گیری می کند، در حالی که در برخی موارد این منافع متضاد نیز هست.

در سطح سیاسی، این خواست وجود دارد که «محور مقاومت در رویارویی با صهیونیسم» (ایران-عراق-سوریه-حزب الله-فلسطین) در هم شکسته شود. در عین حال موضوع تغییر وضعیت خاورمیانه بزرگ نیز وجود دارد.

ولی مهمترین مسأله به امور اقتصادی باز می گردد : اخیراً ذخائر گاز طبیعی عظیمی در جنوب شرقی مدیترانه کشف شد. مرکز این ذخائر در نزدیکی حمص در سوریه است.

ژنوپولیتیکا : آیا ممکن است درباره شورشیان القاعده در سوریه و رابطه آنها با ایالات متحده که با نگاهی به آن چه در محل روی می دهد خیلی تناقض آمیز به نظر می رسد، کمی بیشتر توضیح دهید. در مصاحبه ای گفته بودید که مناسبات عبدالحکیم بلحاج و ناتو کاملاً نهادینه شده است. در حقیقت القاعده برای چه کسی می جنگد؟

تی یری میسان : القاعده در آغاز نام یک بانک اطلاعاتی رایانه ای، یک پرونده رایانه ای مرتبط به مجاهدین عرب بوده است که برای جنگ علیه شوروی ها به افغانستان فرستاده می شدند. در انکشاف نام این پرونده اطلاعاتی، آن را القاعده نامیدند که شامل جهاد طلبانی است که استخدام سربازان مزدور از بین آنها صورت می گرفت. سپس، نام القاعده به مبارزانی که پیرامون بن لادن جمع شده بودند اطلاق شد. امروز تمام گروه هائی که از ایدئولوژی بن لادن تبعیت می کنند، القاعده نامیده می شوند.

شمار افرادی که در این جریان شرکت داشته اند بر اساس دوران و نیاز تغییر کرده است. طی نخستین جنگ افغانستان، جنگ در بوسنی و چیچنی، سربازان مزدور «مبارزان آزادی» نامیده می شدند، زیرا علیه اسلاوها می جنگیدند. سپس، طی جنگ دوم در افغانستان و اشغال عراق، آنها «تروریست» قلمداد شدند زیرا به سربازان امریکائی حمله می کردند. پس از مرگ رسمی بن لادن، آنها دوباره به «مبارزان آزادی» تبدیل شدند زیرا در لیبیا و سوریه در کنار ناتو می جنگیدند.

در واقع، این مزدوران مسلح پیوسته تحت نظارت خاندان "سدیری" بوده اند که یکی از شعبات طرفدار امریکا و اولترا ارتجاعی خاندان سلطنتی سعودی را تشکیل می دهد، و به طور مشخص تحت نظارت شاهزاده بندر بن سلطان. همین شاهزاده بود که جرج بوش (پدر) او را همواره به عنوان پسر خوانده اش معرفی می کرد (یعنی پسر هوشمندی که او آرزو داشت پدر او باشد)، و همیشه برای سازمان سیا کار می کرد. حتی وقتی که القاعده در افغانستان و عراق علیه سربازان امریکائی دست به عملیات می زدند، چنین مواردی باز هم برای تأمین منافع ایالات متحده صورت می گرفت، زیرا حضور نظامی آنها را توجیه می کرد.

این جریان در سال های گذشته به نحوی شکل گرفت که لیبیائی ها در بطن القاعده اکثریت را تشکیل دادند. ناتو آنها را برای براندازی رژیم معمر قذافی به کار برد. به محض این که رژیم قذافی سقوط کرد، شخصیت شماره ۲ این سازمان، عبدالحکیم بلحاج، به عنوان حاکم نظامی طرابلس برگزیده شد، اگر چه او توسط دستگاه قضائی اسپانیا به عنوان مسؤل عملیات تروریستی در مادرید مظنون بوده و تحت پی گرد قرار دارد.

سپس او را همراه با مبارزانی که در اختیار داشت به سوریه فرستادند. برای انتقال آنها، سازمان سیا به یاری یان مارتین نماینده ویژه بان کی مون در لیبیا، از امکانات کمیساریای عالی پناهندگان استفاده کرد. به اصطلاح پناهندگان

به اردوگاه های ترکیه فرستاده شدند که در واقع به عنوان پایگاه پشت جبهه علیه سوریه مورد استفاده قرار گرفت و ورود روزنامه نگاران و اعضای پارلمان ترکیه نیز به آنجا ممنوع اعلام شد. یان مارتین نیز برای خوانندگان شما باید شناخته شده باشد، او دبیر اول سازمان عفو بین الملل بود و بعداً به عنوان نماینده کمیسیون عالی برای حقوق بشر در یوسنی هرزه گوین برگزیده شد.

ژنوپولیتیکا : می دانیم که سوریه نه تنها منطقه ای است که در آتش جنگ داخلی می سوزد، بلکه منطقه ای است برای جنگ رسانه ای و تحریف وقایع، ما از شما به عنوان شاهد عینی خواهش می کنیم که برای ما درباره حمص و حوله توضیحاتی بدهید، واقعا چه می گذرد؟

تی یری میسان : من شاهد عینی در رویدادهای حوله نبودم. ولی برای مذاکره بین مقامات سوریه و فرانسه در محاصره امارات اسلامی در بابا عمر نقش میانجی معتمد را به عهده داشتم. جهاد طلبان در این محله حمص – بابا عمر – موضع گرفته بودند و خائنان (یعنی مسیحیان) و از دین برگشته ها (یعنی شیعیان) را نیز از خانه هایشان رانده بودند. در واقع تنها حدود چهل خانوار سنی در محل باقی مانده بودند، و ۳۰۰۰ مبارز مسلح. این عده قانون شریعت و دادگاه انقلابی بر پا کردند و به این ترتیب ۱۵۰ نفر را در ملاً عام سر بریدند. امارات اسلامی خود برگزیده به شکل سری توسط افسران فرانسوی سازماندهی شده بود. مقامات سوریه از حمله اجتناب کردند و ترجیح دادند که برای تسلیم شدن شورشیان با مقامات فرانسوی مذاکره کنند. فرانسویها شبانه شهر را ترک کرده و به لبنان گریختند، در حالی که نیروهای دولتی وارد امارات شدند و مبارزان نیز به اسارت درآمدند. بر این اساس از خون ریزی جلوگیری شد ولی حدود ۵۰ نفر طی این عملیات کشته شدند.



ژنوپولیتیکا : علاوه بر علوی ها، مسیحیان نیز جزء اهداف در سوریه هستند. می توانید در مورد آزار مسیحیان در این کشور برای ما توضیح بدهید، و چرا این به اصطلاح تمدن غربی که ریشه مسیحی دارد برای دفاع از هم دینان خود اقدامی نمی کند؟

تی یری میسان : جهاد طلبان به طریق اولی علیه آنهایی اقدام می کنند که بیش از همه به خود آنها نزدیک هستند : یعنی ابتدا سنی های ترقی خواه، سپس شیعیان (به انضمام علوی ها)، و بعد از همه می روند به سراغ مسیحیان. عموماً، خیلی کم مسیحیان را شکنجه می کنند و یا به قتل می رسانند، ولی دائماً آنها را از خانه هایشان می رانند و اموالشان را به تاراج می برند. در منطقه نزدیک به مرز شمالی لبنان، ارتش آزاد سوریه به مسیحیان یک هفته فرصت داد که فرار کنند. و ما شاهد مهاجرت ۸۰۰۰۰ نفر بودیم. آنهایی که به موقع فرار نکرده بودند، به قتل رسیدند.

مسیحیت ابتداء توسط پل مقدس در دمشق بنیانگذاری شد. جامعه مسیحی سوریه قدیمی تر از جوامع مسیحی در غرب است. آنها سنت های قدیمی و اعتقادات خدشه ناپذیر قدیمی خودشان را حفظ کرده اند. اغلب آنها ارتدوکس هستند. آنهایی که به کلیسای رم وابسته هستند سنتهای قدیمی خودشان را حفظ کرده اند. در دوران جنگ های صلیبی، مسیحیان شرق در کنار عربهای دیگر علیه سربازانی که پاپ فرستاده بود جنگیدند. امروز، در کنار شهروندان دیگر علیه جهادطلبانی که ناتو فرستاده مبارزه می کنند.

ژنوپولیتیکا: آیا می توانیم در سال آینده شاهد حمله به ایران باشیم، و در یک فرضیه مداخله نظامی، نقش اسرائیل کدام خواهد بود؟ آیا حمله به مراکز هسته ئی اهداف اصلی تل آویو را تشکیل می دهد، یا آیا اسرائیل در این ماجراجویی در یک ساختار جهانی که منافع خود را در بی ثبات سازی جهانی جست وجو می کند، به جلو رانده شده است؟

تی بری میسان: باید توجه داشت که ایران حامل یک انقلاب است. امروز تنها کشور بزرگ جهان است که الترناتیو دیگری در مقابل شیوه زندگی امریکائی پیشنهاد می کند(۱). ایرانی ها مردم راز و رمز مدار و صبوری هستند. آنها هنر مقاومت را به عربها آموختند و با طرح صهیونیستی، نه تنها در منطقه بلکه در سطح جهانی مخالفت می کنند. به این معنا که با وجود تمام رجز خوانی ها، اسرائیل توان حمله به ایران را ندارد. و خود ایالات متحده نیز از حمله به ایران قطع نظر کرده است. ایران کشوری است با ۷۵ میلیون جمعیت که هر یک از آنها حاضرند برای دفاع از کشورشان بمیرند. در حالی که ارتش اسرائیل از جوانانی تشکیل شده که تجربه نظامی آنها به راندن فلسطینی ها محدود می شود، و ارتش ایالات متحده نیز از بیکارهایی تشکیل شده که حاضر نیستند به خاطر حقوق مستمندان به بمیرند.

ژنوپولیتیکا: شما نقش روسیه و ولادیمیر پوتین را که به شکل گسترده در رسانه های غربی ابلیس نمائی شده، در منازعه سوریه چگونه می بینید؟

تی بری میسان: ولادیمیر پوتین پس از استوار ساختن کشورش، بر آن است که جایگاه روسیه را در مناسبات بین المللی باز پس گیرد. او ستراتیژی اش را روی کنترل گاز به عنوان مهمترین منبع انرژی در قرن بیست و یکم بنیانگذاری کرده است. از این پس «گازپروم» به نخستین شرکت جهانی گاز و «روزنفت» به نخستین شرکت نفتی جهان تبدیل شده است. روشن است که ولادیمیر پوتین خیال ندارد به ایالات متحده اجازه دهد که روی گاز سوریه دست بگذارد، و به ایران نیز اجازه نخواهد داد که بدون کنترل روسیه از گاز خودش بهره برداری کند. در نتیجه، مجبور بود که در سوریه مداخله کند و با ایران متحد شود.

علاوه بر این، روسیه روندی را می پیماید که طی آن در حال تبدیل شدن به مهمترین ضامن حقوق بین الملل است، در حالی که غربی ها به نام اخلاق بنجل در حال تجاوز به حاکمیت ملت ها هستند. در نتیجه از قدرت روسیه نباید بیمی به خودمان راه بدهیم، زیرا این قدرت در خدمت حقوق و صلح است.

جولای گذشته، سرگئی لاوروف طرح صلحی را برای مذاکره به ژنو برد. این طرح به شکل یک جانبه توسط ایالات متحده پذیرفته شد، ولی اجرای آن به شکل قطعی به دور دوم ریاست جمهوری بارک اوباما موکول گردید. این طرح پیشبینی می کند که نیروی حافظ صلح سازمان ملل متحد، متشکل از یگان های «سازمان پیمان امنیت

جمعی» در منطقه گسترش یابد. علاوه بر این، بشارالاسد را نیز در صورتی که مردم سوریه به او رأی بدهند، به رسمیت خواهد شناخت.

ژنوپولیتیکا: در مورد وضعیت صربستان و راه پر مشکلی که در این دو دهه پیموده، چه فکر می کنید؟
تی یری میسان: صربستان طی جنگ های متداومی که می بایستی با آن رویارویی کند خسارت دید، به ویژه فتح کوزوو توسط ناتو. چون که در واقع، موضوع بر سر یک جنگ کشور گشایانه بود که به قطع عضو کشور و باز شناسی استقلال یک جانبه کمپ بوندستیل توسط اعضای ناتو انجامید، یعنی در واقع یک پایگاه برای ناتو. اکثریت صربی ها تصور کردند که باید به اتحادیه اروپا نزدیک شوند. ولی نمی دانستند که چهره مدنی اتحادیه اروپا در واقع روی همان سکه ای نقش بسته که چهره نظامی ناتو روی دوم آن ترسیم شده است. از دیدگاه تاریخی اتحادیه اروپا با به کار بستن طرح های مخفیانه طرح مارشال ایجاد شد، در نتیجه به پیش از ناتو باز می گردد، ولی مانع از این نیست که موضوع به عنصری باز می گردد که در طرح سلطه جویانه انگلوساکسون پیشبینی شده بود. این امکان وجود دارد که بحران یورو شیرازه اتحادیه اروپا را از هم بگسلد. در این صورت دولت هائی مانند یونان و صربستان خود به خود به سوی روسیه که با آن اشتراک فرهنگی نیز دارند، تمایل پیدا خواهند کرد.

ژنوپولیتیکا: به شکل کمابیش مستقیم از صربستان می خواهند که برای برخورداری از امتیاز ورود به اتحادیه اروپا از کوزوو قطع نظر کند. شما تجربیات زیادی در عرصه مناسبات بین المللی دارید، بر این اساس ما از شما خواهش می کنیم که با خلوص نیت به ما بگوئید که صربها چه سیاستی را باید در داخل و در خارج به کار ببندند، مشاورت شما در این زمینه چیست؟

تی یری میسان: من توصیه ای برای هیچ کس ندارم. تنها به سهم خودم متأسفم که برخی دولت ها فتح کوزوو را توسط ناتو به رسمیت شناختند. حالا، کوزوو به سکوی پخش مواد مخدر تبدیل شده، یعنی مواد مخدری که در افغانستان تحت نظارت قطعات ایالات متحده به عمل آمده و در اروپا به فروش می رسد. هیچ ملتی از این استقلال بهره ای نبرده است، و نه حتی اهالی کوزوو که از این پس تحت سلطه مافیای زندگی می کنند.

ژنوپولیتیکا: پیش از این بین فرانسه و صربستان اتحاد نیرومندی وجود داشت که وقتی فرانسه به سال ۱۹۹۹ در چهار چوب ناتو صربستان را بمباران کرد، آن اتحاد نیز مفهوم خودش را از دست داد. با این وجود، در فرانسه و در صربستان، هنوز افرادی هستند که «همسنگری در جنگ» را طی جنگ جهانی اول فراموش نکرده اند و فکر می کنند که این پیوندهای فرهنگی از هم گسسته را باید جان تازه ای بخشید. آیا شما با چنین دیدگاهی موافق هستید؟
تی یری میسان: می دانید که یکی از دوستانی که با او «پنتاگیت» را نوشتم در رابطه با حمله موشکی و نه هواپیمای شبح آسا به پنتاگون در ۱۱ سپتامبر، فرمانده نظامی پی یر هانری برونل است. او به جرم جاسوسی به نفع صربستان دستگیر شد. سپس او را به فرانسه تحویل دادند و در دادگاه به جای حبس ابد به دو سال زندان محکوم شد. این مجازات نشان می دهد که او در واقع به فرمان مقامات ارشد عمل کرده بوده است.
فرانسه به عنوان عضو ناتو مجبور بود در عملیات حمله به صربستان شرکت کند. ولی با میلی دست به چنین عملیاتی زد و غالباً مخفیانه در عوض بمباران بیشتر به صربها یاری رساند.

امروز فرانسه در وضعیت بسیار بدتری به سر می برد. اکنون فرانسه توسط یک گروه برگزیده اداره می شود که برای حفاظت از منافع اقتصادی شان به خدمت منافع واشینگتن و تل آویو درآمده اند. امیدوارم که هم وطنان من که تاریخ انقلابی طولانی مدتی را در ذخیره فرهنگی مشترکشان به یاد می آورند، روزی این برگزیدگان بزهکار را از هیأت حاکمه اخراج کنند و امیدوارم که تا آن روز صربستان نیز استقلال قطعی خودش را باز یافته باشد. در این صورت هر دو ملت خود به خود یک دیگر را باز خواهند یافت.

ژنوپولیتیکا: از این که وقتتان را به ما اختصاص دادید، سپاسگذاریم.

پی نوشت مترجم

۱) متأسفانه تی پیری میسان هوشمند هنوز از قتل ستار بهشتی اطلاعی ندارد، هنوز نمی داند که در حال حاضر دزدی و جنایت و ناامنی در ایران غوغا می کند، و همین مسلمانان مؤمن در کار تجارت به محض این که فرصتی دست می دهد اجناس را احتکار می کنند تا متعاقباً قیمت ها را بالا ببرند... و خداوند تحریم را فرستاد تا ما جیبهایمان را پر پول کنیم و سال دیگر اگر قسمت باشد - انشاءالله - به زیارت برج ایفل خواهیم رفت و برای خاله کوکومه از شانزلیزه عطر کریستین دیور خواهیم خرید. رژیم جمهوری اسلامی، هر چند که در بلند پروازی هایش برای مقابله با ناتوی فرهنگی در ایجاد آلترناتیو فرهنگ بومی شرافتمندانه و موجه به نظر می رسد، ولی به دلیل ایده آلیستی بودن بنیادهایش قاطعانه با شکست مواجه خواهد شد. شکست چنین طرحی که شاید از هم اکنون محرز شده باشد، به باور من و با نگاهی به وضعیت نیروهای بالنده و توطئه های امپریالیستی البته به معنای فروپاشی نظام جمهوری اسلامی نیست. و به مفهوم پیروزی فرهنگ ناتو نیز نمی باشد. رهبران مذهبی در سر تا سر جهان و در تمام ادیان بهترین و مهمترین دلالتان محبت بوده اند که به شکل قانونی عمل کرده اند و از این طریق گلیمشان را از آب بیرون کشیده اند. البته گاهی گذاری هم رقبائی پیدا کرده اند، مثل مردان سیاسی انگلیس در دوران استعمار هند، که معابد مقدس را، مثل همیشه و در همه جا و در هر موردی با دوز کلک و حقه بازی در اختیار خودشان گرفته بودند، و تجارت سکس با دخترانی که وقف معبد بودند رونق داشت.

و اینک، از قلب خود جمهوری اسلامی، و های خود جمهوری اسلامی، از قلب اصول گرایان دو و حتی دوازده آتسه از سفر های سیاحتی و یا رفتن زنان و دختران ایرانی به کشورهای عربی خلیج فارس اظهار نگرانی کرده اند یعنی همان سرزمین هائی که بورژوازی کمپرادور ایرانی به بهای انهدام و تسامح در امور تولیدات داخلی و به بهای متوقف ساختن رشد نیروهای مولد، از آنجاها جنس وارد می کنند.

اظهار نگرانی کرده اند و گفته اند که موضوع این دختران و زنان «ستراتژیک است». در هر صورت روشن است که چنین آلترناتیوی برای مقابله با ناتوی فرهنگی نمی تواند چنین چشم اندازی را به عنوان اقتصاد مقاومت مطرح کند. این کاملترین قوانینی که از آسمان نازل شده، امروز قادر به تأمین مصرف عمومی شیر نیست و نا امنی بیداد می کند. ستراتیژیست های جمهوری اسلامی چنین مسائل و مشکلاتی را از نتایج گناهکاری های تک تک افراد می دانند و یک لحظه تصور نمی کنند که شاید گناهکار اصلی خود نظام اجتماعی باشد. یک لحظه تصویر نمی کنند که تحت شرایط خاصی مقدس ترین آدمها نیز می تواند احتمالاً برای زنده ماندن دست به آدمخواری بزند، و از حشرات تغذیه کند. ایرانی ها اسطوره ای دارند به نام دیو، دیو گرسنگی. این دیو گرسنگی یک پاسخ فرهنگی دارد، ولی طبقه بورژوازی وابسته و معامله گر قادر به چنین پاسخهایی نیست، به همین علت است که ستار بهشتی کشته می شود، زیرا چیزی به نام پیشرفت در این نظام اقتصادی و سیاسی قابل تصور نیست، در نتیجه خطای ستار نیز

اصلاح پذیر نبود و تنها راه باقی مانده برای او قبرستان رباط کریم بود. در نظام سرمایه داری وابسته، پیشرفت نه تنها قابل تصور نیست، بلکه برای حیات نظام طبقاتی خطرناک نیز هست.

<http://g-honar-v-mobarze.blogfa.com/post/326>

۷ دسامبر ۲۰۱۲

گاهنامه هنر و مبارزه

مصاحبه با مجله صرب ژئوپولیتیکا



Entretien avec le magazine serbe Geopolitika

Thierry Meyssan : « Des terroristes syriens ont été formés par l'UCK au Kosovo »

Réseau Voltaire | Belgrade (Serbie) | 2 décembre 2012

<http://www.voltairenet.org/article176815.html>

شبکه ولتر/بلگراد(صربستان)/۲ دسامبر ۲۰۱۲

گاهنامه هنر و مبارزه/ترجمه توسط حمید محوی/پاریس/۷ دسامبر ۲۰۱۲